

سیاست مذهبی کریم خان زند

سیده صفیه مرتضوی^۱

شکوه السادات اعرابی هاشمی^۲

فیض اله بوشاسب گوشه^۳

تاریخ دریافت: ۹۸/۱۱/۲۷

تاریخ پذیرش: ۹۹/۰۳/۲۶

چکیده:

دوره حکومت کریم خان زند، آرامش و استقرار کوتاهی در ایام فترت پس از دولت صفویه محسوب می‌شود. وی گرایش‌های شیعی خود را به طور واضح نشان داد اما تلاشی هم در راستای احیای سازمان دینی دوره صفویه نکرد. در این دوره تا حدود زیادی اوضاع علمای شیعه بهبود یافت، شعائر و اماکن مذهبی مورد توجه و احترام زیادی قرار گرفتند. علمای شیعه با این که از موقعیت برتری نسبت به دوره افشاریه برخوردار شدند، باز هم فاقد قدرت سیاسی بودند. مرکزیت یافتن زندیان در شیراز، موجب شد که بار دیگر در زندگی اجتماعی به علما وظیفه محدودی محول شود. شیخ الاسلام شیراز که مستقیماً از طرف حاکم منصوب شده بود بار دیگر اداره محاکم شهر را عهده دار شد. مساجد و اماکن مذهبی از جمله مسجد وکیل ساخته و ماهیت شیعی حفظ گردید.

ویژگی اصلی حکومت زند تسامح بود. کریم خان گرچه شیعی مذهب بود اما سایر مذاهب را تحمل می‌کرد. در عهد وی با پیروان ادیان دیگر با مدارا رفتار می‌شد. عده‌ای از علمای شیعه که در عتبات عالیات به سر می‌بردند در پرتو همین تسامح و امنیت به ایران بازگشتند. ضرب سکه به نام امام عصر (عج) و توجه خاص به مراسم عزاداری امام حسین (ع) در ماه محرم نشان دهنده ارادت وی به مذهب شیعه می‌باشد. این مقاله در پی آن است که به روش توصیفی تحلیلی سیاست مذهبی کریم خان زند را مورد بررسی قرار دهد.

کلید واژه‌ها: مذهب شیعه، زندیه، علماء، کریم خان

^۱ دانشجوی دکتری تاریخ اسلام، گروه تاریخ، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران. s.mortazavi45@gmail.com
^۲ استادیار، گروه تاریخ، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران. (نویسنده مسئول) shokouh.arabi@gmail.com
^۳ دانشیار، گروه تاریخ، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران. f-boushasb@iaun.ac.ir

مقدمه:

دولت زندیه (۱۱۶۳-۱۲۰۹ ق.) به ویژه در عصر کریم خان (۱۱۶۳-۱۱۹۳ ق.) آرامش و استقلال کوتاهی در ایام فترت پس از حکومت صفویه بود و سرزمین ایران از وحدت و امنیت سیاسی - اجتماعی ویژه ای برخوردار گردید. مرکزیت یافتن شیراز در این دوره موجب شد که روحانیون و علمای شیعه وظایف و مسئولیت‌های محدودی را به دست آورند، اما با وجود جایگاه برتر نسبت به دوره افشاریه فاقد قدرت سیاسی بودند. ایلی بودن و تسامح مذهبی زندیان سبب شد تا شعائر و اماکن مذهبی مورد توجه و احترام زیادی قرار گیرند. علما و روحانیون گذشته، دارای این قدرت بودند که حاکم و فرمانروا را نزد مردم، نایب امام زمان (عج) و خلیفه خدا در زمین معرفی کنند. شاید بتوان گفت که کریم خان زند از همان آغاز کار، فاقد مشروعیت سیاسی لازم برای ادامه حکومت خویش بود، با این که می‌توانست پشتیبانی روحانیون و علمای مذهبی را در جهت تأیید خود جلب کند، هرگز در صدد این امر برنیامد. وی با سجایای اخلاقی منحصر به فردی که داشت، فشارها و سختی‌های به جا مانده از سیطره نادر و جانشینان ضعیف او را از میان برد. او که یک فرد مسلمان شیعه بود، با محدود نمودن قدرت روحانیان، سعی کرد ضمن بهره‌وری از آنان در مراتبی که به حذف سمت ملامبایی مشابه دوره‌های صفویه و افشاریه بود، از نفوذ و دخالتشان در سیاست‌های خود جلوگیری نماید، چه دخالت آنان را در سیاست باعث سقوط دولت صفوی در زمان شاه سلطان حسین می‌دانست. وکیل به خصوص در نیمه دوم حکومتش که از سال ۱۱۷۹ ق. در شیراز تداوم یافت، با ایجاد آرامش و امنیت نسبی توانست ایران شیعی به جا مانده از حکومت‌های صفوی و افشاری را در همان مسیر گذشته به پیش برد و زمینه مناسب و مستعدی برای رشد و شکوفایی ادب، فرهنگ و هنر کشور فراهم نماید. وی بر خلاف نادرشاه در صدد براندازی مذهب شیعه بر نیامد، بلکه خود شیعه بود و بنا به سنت با سکه زدن به اسم امام غایب حضرت صاحب الزمان (عج) و ساختن مساجد و بقاع و توجه به نمازهای جماعت به تقویت مذهب شیعه پرداخت. وجود شاخصه‌هایی چون توجه به آیین‌ها و مناسک شیعی نظیر برگزاری مراسم محرم، ساخت و ساز اندکی مسجد در شیراز، توجه اندک به وقف و احترام به علماء شیعه نشان از تعامل محدود نهاد دینی و دولت در این دوره دارد.

دلایل پایتختی شیراز در دوره حکومت کریم خان زند:

کریم خان در سال ۱۱۹۷ ق. در شیراز مستقر گردید و توانست در این شهر به عنوان فرمانروای بلامنازع بخش عمده ایران به نوسازی و تجدید بنای پایتخت برگزیده، پردازد. در مورد این که چرا

کریم خان شیراز را پایتخت خویش قرارداد، به جز انگیزه و علاقه شخصی، دلایل دیگری نیز وجود داشت. حمایت قومی و طایفه ای لر و لک‌های موجود در مناطق بین کرمان، کردستان و نواحی شمالی خلیج فارس، حمایت عشایر دشتستان از خان زند به منظور مقابله با نیروهای فتح علی خان افشار، یکی از مهم ترین انگیزه‌های اصلی کریم خان در انتخاب شیراز به پایتختی بوده است. آشنایی اقوام لک با منطقه فارس، از دیگر دلایل اهمیت یافتی این منطقه به عنوان مرکز حکومت می‌باشد. دیگر این که شیراز نسبت به طوایفی که از ایشان امید مدد و معاونت می‌رفت مرکزیت داشت و خان زند در مواقع سخت عقب نشینی خود در برابر سپاه قاجار، از مردم این شهر هرگونه کمک و مساعدتی را که توقع داشت دریافت می‌کرد. نیبور می‌نویسد: «مردم شیراز همیشه نسبت به کریم خان تمایل بیشتر داشتند تا هر خان دیگر»^۱. کریم خان با استقرار در این شهر در کانون تجمع ایلات وفادار خود قرار گرفت. هم چنین با توجه به حساس بودن بنادر خلیج فارس و اوضاع خاصی که بر ولایت و بخش‌های مختلف سواحل دریا در جنوب حاکم بود، احساس می‌شد مقر حکومتی، نزدیک این مناطق سرنوشت ساز کشور باشد تا هم بر آن نظارت بهتری باشد و هم در مواقع خطر و بحران، سریع تر از تهران و اصفهان به پشتیبانی از آنان پرداخته شود.^۲ دلایل دیگر این که شیراز از چهار راه غربی، جنوب غربی، جنوب شرقی به ترتیب با شوش، بوشهر و گناوه، سیراف و بندرعباس ارتباط داشت و این شهر به عنوان یک مرکز مهم و نزدیک به نواحی ساحلی خلیج فارس، به مرکز تجمع و اسکان نیروهای رزمی تعیین گشت.^۳ عوامل اقتصادی نیز در انتخاب شیراز به پایتختی سهم عمده ای داشته و تامین منافع اقتصادی دولت زندیه، در نواحی جنوبی ایران قرار گرفته بود. کریم خان به دلایل سیاسی و آرام نگاه داشتی قبایل مخالف و هم رونق منطقه شیراز، برخی از مردم را وادار به اقامت در شیراز و حومه شهر، کرد و حدود نود هزار نفر از ایلات بختیاری، زنگنه، وند و لیلایوی را در نزدیکی شهر اسکان داد.^۴ شهر شیراز با موقعیت محلی خاصی که داشت به سرعت رشد کرد و در طول حکومت خان زند، در اوج سازندگی و وسعت بود. دامنه رونق و آبادی شهر به جایی رسید که «از شهرهای ایران هیچ یک به آبادی شیراز نرسید»^۵.

کریم خان تعداد محلات شیراز را از نوزده به دوازده محله تغییر داد و «اعتقاد بر این است که هر محله ای تحت حمایت یکی از دوزاده امام قرار دارد که مانند فرشته نگهبانی، از آن مراقبت به عمل می‌آورند و هر پنج شنبه شب، که ایرانی ها آن را شب جمعه می‌نامند، خدام مساجد هر یک از این محله ها ذکر می‌گویند»^۶. اوج شکوفایی فارس به خصوص شیراز در دوران حیات بنیان گذار سلسه

زندیه تداوم یافت ولی پس از وفات وی، این عظمت و حشمت در سرایشی سقوط قرار گرفت. وکیل طی مدت حاکمیت خود در شیراز منشأ آثار و ابنیه و عمارت متعددی گردید که پس از گذشت سال ها هنوز در کمال استحکام خودنمایی می کنند.

رویکرد مذهبی کریم خان:

کریم خان در سال ۱۱۶۵ هجری فرمانروا و پادشاه و افعی ایران گردید.^۸ وی شخصی پسندیده خوی، سیاستی مبتنی بر سادگی در امور اجرایی و پرهیز از تجمل، خودداری از صدور حکم‌های مستبدانه و لشکرکشی‌های غاصبانه دنبال کرد و مشروعیت حکومت خود را با اتکاء بر عنوان وکیل الدوله و پذیرش رؤسای ایلات و تابعیت آن ها پی ریزی کرد. کریم خان بر خلاف نادرشاه، گرایشات شیعی خود را نشان داد و با احترام به علما و اماکن متبرکه مذهبی علاقمندی خود را به دینداری مستدل ساخت. اما در جهت احیای ساختار دینی دوره صفویه تلاشی نکرد و هیچ گونه تعصب و سخت گیری نسبت به آداب مذهب شیعه نداشت و به همه مذاهب نیز به تساهل و تسامح رفتار می نمود. از آشکار ترین صفات او دادگستری و نیکدلی بود. خود را «وکیل الرعایا» یعنی وکیل و نماینده مردم خواند و عنوان پادشاهی را برای خود به کار نبرد.

ایران در زمان وی ماهیت شیعی خود را حفظ کرد، چون افراد ایل زندیه پیرو آیین تشیع بودند. کریم خان نیز خود مردی متدین و پایبند به حفظ آداب و مراسم مذهبی بود. با توجه به این که ایرانیان آن زمان به آداب و شعائر مذهبی پایبند بودند، رفتار کریم خان در این زمینه در توجه همگانی نسبت به وی تأثیری زیاد داشت. گر چه کریم خان مردی متدین بود، ولی در امور مذهب تعصبی نداشت و باورهای شخصی او به اهداف سیاست زبانی نمی زد. بی گمان برداشت کریم خان از حوزه ی دین متناسب با زیست ایلیاتی او بوده است، تقسیم بندی شیراز به دوازده محله به نام ائمه دوازده گانه^۹ توجه به مراسم عزادای امام حسین (ع)^{۱۰} ضرب سکه به اسم صاحب الزمان (عج)^{۱۱} و احترام به علما و سادات^{۱۲} همگی نشان دهنده حکومت شیعه مذهب زندیه است، اما به معنای سخت گیری در رسمی نشان دادن این مذهب نبود.

مراسم عزادای در ماه محرم را مجاز دانست و هر ساله در حضور وی در سفر و حضر مراسم تعزیه بر گزار می شد. این مراسم آیین - هنری، که بعدها در دوره ناصرالدین شاه به اوج تکامل خود رسید، زمینه‌های اولیه را در دوره زندیه طی کرد^{۱۳}. وی به مراسم تعزیه و سوگواری حضرت سیدالشهداء (ع) توجه و عنایت خاصی داشت. یک بار که قصد لشکرکشی داشت، با توجه به فرا رسیدن ماه محرم تا

روز عاشورا برای احترام حضرت سیدالشهداء (ع) در باغی توقف کرد و به مراسم سوگواری و تعزیه داری اقدام نمود.^{۱۴} هم چنین به زیارت مشاهد شریفه و اماکن متبرکه می‌رفت و از دادن نذور نیز دریغ نمی‌کرد. گیتی گشا در صفحه ۷۸، نزول کریم خان به «دارالمؤمنین قم» را گزارش می‌دهد که وی مبالغی «به خدمت آستانه مشرفه و سایر ارباب استحقاق» داده است.^{۱۵}

هنگامی که کریم خان از آزادخان شکست خورده و در شیراز پناه گرفته بود، آزادخان در تعقیب او به سمت شیراز حرکت کرد. «این خبر که به کریم خان و اهالی شیراز رسید، جمع بزرگان در خدمت کریم خان حاضر شده به اتفاق به روضه متبرکه شاه چراغ رفته عهد و پیمان نمودند که با یکدیگر متفق بوده از شیوه نفاق تبری جویند»^{۱۶}. شاه چراغ نام مسجد و آرامگاهی در شیراز است که بنا بر اعتقاد شیعیان احمدبن موسی (ع)، پسر ارشد امام موسی کاظم (ع) از برادران علی بن موسی الرضا (ع) در آن جا شهید و به خاک سپرده شده است. کریم خان مرقد شاه چراغ را که زیارتگاه مقدس تری بود تعمیر کرد.^{۱۷} پس از فتح بصره رؤوس منابر و گلدسته‌های مساجد به خطبه اثنی عشری و اذن جعفری زینت یافت.^{۱۸} هنگامی که از لرستان به شیراز باز می‌گشت به حرمت ماه رمضان یک ماه در شوشتر اقامت کرد.^{۱۹}

کریم خان بسیار مایل بود نام مبارک امام عصر (عج) را بر سکه‌های رایج زمان خود ضرب کند، لذا یک طرف سکه لفظ «یا کریم» و طرف دیگر «یا صاحب الزمان» حک نمود.

این بیت نیز روی سکه‌های کریم خان منقوش بود:

شد آفتاب و ماه زر و سیم در جهان از سکه امام بحق صاحب الزمان (عج)^{۲۰}

سجع مَهرش این عبارت بود: «یا من هو بمن رجاه کریم»^{۲۱}.

پس از فتح بصره دستور داد، خطبه و سکه به نام نامی و القاب گرامی حضرات ائمه اثنی عشریه بلند آوازه و تازه ساختند.^{۲۲} کریم خان در زمان حکومت خود نسبت به تعمیر و ساخت مساجد و تکایا و قبور عرفا و اولیای الهی همت خاصی مبذول داشت که از آن جمله می‌توان به ساخت مسجد وکیل، تکیه سعدی و تعمیر و مرمت قبور چهل تن و هفت تن اشاره نمود.^{۲۳} می‌توان گفت که از بهترین و زیباترین مجموعه بناهای کریم خانی احداث مسجد جامع وکیل یا مسجد وکیل است که بازار و باغ ها را به هم پیوند می‌دهد. غفاری مؤلف گلشن مراد در باره انگیزه کریم خان از ساختن این مسجد می‌نویسد: «درهنگام تسخیر بلاد و زمان دفع دشمن و تدمیر اضراد و اهل فساد و نذر و نیت فرموده بودند که بعد از فراغ از آن مهام و جلوس بر مسند استراحت و آرام در دارالملک شیراز به تأسیس مسجد آدینه متین پردازند، لذا در مدت دو سال آن معبد مذکور ساخته و پرداخته شد»^{۲۴}.

مسجد وکیل از دو ایوان شمالی، طاق مرواید و ایوان جنوبی تشکیل شده و دارای یک شبستان در پشت ایوان جنوبی است. این شبستان دارای ۴۸ ردیف ستون سنگی یکپارچه و یک محراب کاشی کاری و یک منبر ۱۴ پله ای یکپارچه به نشانه چهارده معصوم بود^{۲۵}، که سنگ آن را از مراغه آذربایجان به شیراز آوردند^{۲۶}. برخی معتقدند استخوان بندی کل مسجد در زمان حیات کریم خان صورت گرفته لکن غالب کاشی کاری‌های آن متعلق به اوایل دوره قاجار است^{۲۷}. تکیه شاه میر حمزه را نیز که پسرش رحیم خان در آن جا دفن شده بود بنا کرد^{۲۸}. تقید و التزام نسبی کریم خان به اصول شرع در تهیه و آماده سازی قبری در عمارت کلاه فرنگی که برای خود ساخته و وصیت کرده بود در آن دفن شود آشکار می‌گردد. می‌توان گفت تا زمان کریم خان این حالات در هیچ یک از سلاطین سلسله‌های مختلف ایران حتی سلاطین صفویه دیده نشده است^{۲۹}.

ارادت کریم خان به مذهب تشیع را می‌توان در عفو و بخشش شورش طایفه اعراب بنی کعب در خوزستان به رهبری شیخ سلمان که این طایفه شیعه اثنی عشریه بودند، مشاهده نمود^{۳۰}. اعراب بنی کعب اقرار به ولایت جناب حیدری داشتند^{۳۱}. هم چنین اعتقاد کریم خان به مذهب شیعه بود که باعث شد تا قبایل عرب شیعه اطراف بصره را بر دیگر قبایل سنی برتری دهد و با تکیه بر آن‌ها راه را بر نیروی عثمانی که قصد تصرف بصره را داشت سد نماید^{۳۲}.

تسامح مذهبی کریم خان:

خصلت مذهبی حکومت زندیه، شیعه و ویژگی اصلی آن تسامح بود. کریم خان بر خلاف صفویه به مذهب مردم کاری نداشت و سخت گیری نمی‌کرد، هم چنین مانند نادرشاه در صدد به وجود آوردن دین جدیدی نبود. وی حاکم جامعه ای بود که اکثریت مردم آن شیعه بودند و توانست با تسامح مذهبی و احترام به آیین دیگر اقشار مردم خود را حاکمی رؤف نشان دهد و بدون هیچ نعصبی شیعه معرفی کند. این امنیت اجتماعی موجب شد همه پیروان مذاهب مختلف از تساهل کریم خان بهره ببرند. عده ای از علمای شیعه که در عتبات عالیات به سر می‌بردند در پرتو همین تسامح و امنیت به ایران بازگشتند. تساهل کریم خان و خاندان زند مانع از سرکوب سایر مذاهب بود. آنان گرچه شیعی مذهب بودند اما سایر مذاهب را تحمل می‌کردند. در عهد کریم خان با پیروان ادیان دیگر با مدارا رفتار می‌شد و از آرامش خاص بر خوردار بودند و زندگی در عصر وی معتنم می‌شمردند^{۳۳}.

اقلیت‌های عصر زند عبارت بودند از: زرتشتیان، یهودیان و ارمنیان. چند شعبه از مسلمانان مانند اسماعیلیان، صفویان و غلات شیعه نیز در ایران تجمع داشتند^{۳۴} دادن آزادی فعالیت مذهبی به اقلیت

ها نشانه دیگری از تسامح مذهبی و کیل است. شاید برجسته ترین نمونه تسامح و مدارای مذهبی وکیل را بتوان در انتصاب سیدابوالحسن خان کهکی، امام چهل و دوم فرقه نزاری اسماعیلی، به حکومت ایالت کرمان سراغ گرفت. اسماعیلیان، که پس از سقوط الموت به فعالیت زیر زمینی و مخفیانه روی آورده بودند، اولین بار، پس از نزدیک به شش قرن، توانستند با در اختیار گرفتن یک منصب سیاسی فعالیت نسبتاً علنی خود را بار دیگر از سر گیرند.^{۳۵} کریم خان نسبت به صفویان با تساهل مذهبی رفتار می‌کرد و به لحاظ دینی با آن‌ها خصومتی نداشت. در سایه ایجاد آرامش و اطمینان که ایجاد شده بود، سران فرقه‌های تصوفی که پیش از آن به دکن رفته بودند، همگی به ایران باز گشتند. برجسته ترین و بزرگ ترین دسته‌های صوفیان، نعمت الهی‌ها بودند که قطبشان معصوم علیشاه دکنی در سه سال آخر حکومت کریم خان به شیراز وارد شد و از سوی خویش هیئت‌هایی به سراسر ایران فرستاد.^{۳۶} وکیل با تساهل و تسامحی که در امور دینی داشت، نسبت به تجدید عمارت و مرمت قبور برخی از دراویش سلف که در پایتخت او به هفت تن و چهل تنان معروف بودند، همت گماشت.^{۳۷}

ارامنه ای که در تحت حکومت او بودند، اول مردمی بودند که از عدل و انصاف وی بهره ور می‌شدند. ارامنه در عهد او به قدری که در قوه او بود رعایت دیدند.^{۳۸} این رفتار بزرگ منشانه و محبت آمیز کریم خان باعث می‌شد برخی از آنان مسلمان شوند و حتی از وکیل لقب خانی دریافت کنند.^{۳۹} کریم خان برای ارامنه شیراز از خودشان کلانتر انتخاب می‌کرد. ارمنی‌ها خانه هایشان در گوشه غربی شیراز در کنار دروازه کازرون جای داشت. با واگذاری کلی روستاها این گروه را تشویق به اقامت در اطراف پایتخت می‌کردند.^{۴۰} آن عده از خانواده‌های ارمنی که به خاطر آشفتگی‌های داخلی ایران را ترک کرده بودند، دوباره به کشور بازگشتند.^{۴۱} علاوه بر ارامنه این آزادی عمل شامل دیگر فرق مذهبی از جمله یهودیان می‌شد. به واسطه رفتار محبت آمیز کریم خان بسیاری از یهودیان به ایران مراجعت کردند و شیراز را به صورت بزرگ ترین مرکز یهودی نشین ایران در آوردند. منازل یهودیان در غرب بازار جای داشت.^{۴۲}

یهودیان تا دوره پس از مرگ وکیل هرگز در معرض اذیت و آزار نبودند.^{۴۳} در ایران تحت حاکمیت کریم خان علاوه بر اقلیت‌های دینی، کفار نیز در راحتی و آسایش به سر می‌بردند.^{۴۴} کافرهای آفریقا که به صورت برده در خارک فروخته می‌شدند، بیشترشان مذهب خودشان را حفظ کرده بودند و برای شخصیت مذهبی بزرگ خود که شیخ فرج نامیده می‌شود بنای کوچکی ساخته بودند.^{۴۵} چنانچه بنا به

مقتضیات زمان، پیروان یکی از ادیان غیر اسلامی زیر فشار توده مسلمانان قرار می‌گرفتند، از ایشان پشتیبانی می‌کرد.^{۴۶}

وضعیت علما و روحانیون شیعه در عصر کریم خان:

مرکزیت یافتن حکومت زندیه در شیراز موجب شد که بار دیگر در زندگی اجتماعی به علما وظیفه‌ی محدودی محول شود. با هرج و مرج سیاسی، عدم ثبات حکومت و فقدان امنیت اجتماعی پس از مرگ نادرشاه افشار فعالیت‌های نهاد دینی محدود بود. آن چه از سیاست مذهبی نادر باقی مانده بود علمای فاقد قدرت سیاسی که وظیفه آن‌ها تابعیت و اطاعت محض از دستورات شاه بود. زمانی که کریم خان در سال ۱۳۶۳ ق. وارد مبارزه قدرت شد با توجه به ریشه ایلیاتی اش، نیازمند تأیید علمای دین نبود، زیرا قدرت خود را از زور و جنگاوری به دست آورده بود. به هر حال علمای ایران در این دوره از دستگاه حکومت فاصله گرفته بودند. آن‌ها به جز رهبری اعتقادی مردم، قضاوت شرعی در میان توده مردم جامعه و فعالیت‌های علمی اندک فعالیت دیگری نداشتند. عالمان دینی در هر شهر و ایالت امور دینی را بر عهده داشتند و حامی مردم به حساب می‌آمدند. «ملاها و آخوندها در هر شهری، امام جماعت، اجرای صیغه، نماز میت، ختنه پسران را بر عهده می‌گیرند، آن‌ها در خانواده‌های بزرگان به انجام این امور پرداخته و بزرگان هم سالیانه مستمری خاصی به حضرات می‌پردازند. علاوه بر این آموزش و پرورش کودکان و رجال و اعیان بر عهده آن‌ها گذاشته می‌شود»^{۴۷}.

روحانیون علاوه بر وعظ و موعظه در مساجد و منابر همواره واسطه بین مردم و حکام محسوب می‌شدند. «کریم خان به دلیل اعتقاد و ارتباط گسترده مردم به این قشر و نیز میل و علاقه و ارادتی که از اعتقاد وی نشأت می‌گرفت، به علما و روحانیون پاک و وارسته توجه و عنایت خاصی داشت و در عین حال نسبت به برخی که از این عنوان و مسند راهی برای توجیه رفاه و امرار معاش و تن در ندادن به مسئولیت‌های سخت اجتماعی و سیاسی باز کرده بودند بسیار سخت گیر بود»^{۴۸}.

صاحب منصبان مذهبی به طور عمده شامل، شیخ الاسلام، قاضی و صدر و امام جمعه بودند که مهم‌ترین وظیفه آن‌ها، قضاوت بر اساس شرع بود. شیخ الاسلام‌های هر شهر با حکام در ارتباط بودند و این ارتباط در حد حمایت از مردم بود. آن‌ها به خاطر احترامی که در بین مردم داشتند امرشان نافذ بود. «شیخ الاسلام شیراز که مستیقماً توسط حاکم به کار گمارده شده بود بار دیگر اداره محاکم شرع را که ظاهراً قلمرو آن از محاکم عرف خیلی محدودتر شده بود به عهده گرفت»^{۴۹}.

سرپرستی هر یک از محلات شهرها بر عهده یکی از روحانیون محلی قرار می‌گرفت که معمولاً عهده دار انجام مراسم مذهبی هفتگی و سنتی نیز بود.^{۵۰} «در شیراز که مقر حکومت وی بود، منصب امامت جمعه شهر بر عهده شیخ عبدالنبی شیرازی بود که کریم خان به واسطه فضل و دیانتش به وی ارادت داشت»^{۵۱}. ارادت کریم خان به برخی علما و عرفای بزرگ عهد خود تا بدان حد و پایه بود که گاه دخالت و شفاعت آنان را در امور مهم می‌پذیرفت.^{۵۲} مانند وساطت میزرا محمد علی صدرالممالک نسبت به عدم مجازات اعراب بنی کعب از سوی کریم خان زند که مورد قبول واقع شد.^{۵۳} مع ذلک کریم خان سعی می‌کرد که از دخالت روحانیان در امور مملکتی جلوگیری کند، زیرا که وی عقیده داشت که دخالت برخی از بزرگان عصر صفوی در مسائل کشوری، باعث سقوط دولت صفوی بوده است.^{۵۴} با وجود همه توجهی که کریم خان به امور مذهبی نشان می‌داد، ترجیح می‌داد که روحانیون دارای شغل و حرفه ای باشند و امور معیشتی را حاصل از کار و تلاش خود بگذرانند. او معتقد بود که همه پیامبران و امامان دارای کسب و حرفه بوده اند و لذا چندان از ذهن دور نیست که روحانیان نیز شغلی داشته باشند.^{۵۵}

کریم خان فقط برای روحانیانی مانند امام جمعه، قاضی، شیخ الاسلام، صدر و نایب الصدور مواجب مستمری قرار داد. «... امنای دولتش خواستند که به جهت طلبه علوم و ظایف قرار بدهد، قبول فرمود و فرمود ما وکیل دولت ایرانیم، از خود اموالی نداریم که به ملاها و طلبه علوم بدهیم»^{۵۶}. کریم خان ضمن احترام به علما به لحاظ مالی آن‌ها را مورد حمایت قرار نداد و برای آن‌ها مقرری تعیین نکرد.^{۵۷} به هر حال وکیل با این که مسئولیت‌های خاص علما را در آن عصر پذیرفته بود، سعی می‌نمود تا حد امکان از دخالت و نفوذ آنان در مسائل حکومت و سیاست جلوگیری کند.

مناصب مذهبی در عصر کریم خان زند:

ملاباشی: منصب ملاباشی از مناصب سال‌های پایانی فرمانروایی صفویان به شمار می‌رود که در راس سلسله مراتب دینی بوده است. در عصر افشار و زند نیز تداوم یافت، اما نه مانند عصر صفوی. در زمان کریم خان ملاباشی هرگز احیا نشد و تجدید سازمان نگردید.^{۵۸}

صدرالممالک و صدر: وظایف و مسئولیت‌های مذهبی این مناصب همان وظایف ملاباشی بود، اما گاه از جانب کریم خان مأموریت‌های سیاسی نیز می‌یافتند.^{۵۹} گاهی نیز نقش واسطه داشتند. «میرزا محمدعلی صدر در سال ۱۱۷۲ ق. واسطه بین کریم خان و تقی خان بافقی حاکم یزد شد و توانست با گفت و گو قلعه یزد را به کریم خان تحویل دهد».^{۶۰} هم چنین محمدعلی صدر الممالک باری دیگر در

سال ۷۸-۱۱۷۷ ق. واسطه کریم خان و شیخ سلیمان رئیس قبیله بنی کعب شد^{۶۱}. اما می‌توان گفت که متصدیان این منصب هرگز عالمان برجسته و طراز اول نبودند و نقش مذهبی صدر بعد از صفویه به پایان رسیده بود.

شیخ الاسلام: بزرگ‌ترین مرجع رسمی انتصابی روحانی بود که وظایف او نسبت به دوره اسلاف و گذشتگان خود در دولت صفویه، محدودتر گردید^{۶۲}. وی رسیدگی به امور مذهبی و گاه سیاسی را بر عهده داشت، در تفسیر و اجرای قوانین شرعی مقام رهبری دارا بود و به عنوان رئیس امور شرعی معرفی می‌شد. شیخ الاسلام مأمور رسیدگی به کلیه اختلافات و اشکالاتی بود که در امور دینی پیش می‌آمد. او به کلیه امور دینی احاطه دارد و در مراسم دینی چون اعیاد در مساجد بزرگ شهر وعظ می‌کند^{۶۳}. «شیخ الاسلام شیراز که مستقیماً توسط حاکم به کارگمارده شده بود بار دیگر محاکم شرع را که به ظاهر، قلمرو آن از محاکم عرف خیلی محدودتر شده بود، به عهده گرفت»^{۶۴}. مع ذلک حوزه قضایی او به شدت محصور در مسائل مذهبی بود و طلاق و دیگر کارهای کوچک شهری را شامل می‌شد^{۶۵}. حکم صادر شده از شیخ الاسلام خیلی سریع انجام می‌گرفت و بلافاصله پس از صدور صدور به مرحله اجرا گذارده می‌شد^{۶۶}. چنین بر می‌آید که شیخ الاسلام، با وجود عهده دار بودن بسیاری از امور دینی و مذهبی فاقد هرگونه نفوذ و قدرت سیاسی بود^{۶۷}. به علت مقام والای مذهبی که شیخ الاسلام دارا بود، منزل وی گاه محل تحصن و پناهندگی بود. به عنوان مثال «در شیراز پس از شکست صالح خان از علی مرادخان مردم همگی در خانه شیخ الاسلام تجمع کردند و بدین سان جان به سلامت بردند»^{۶۸}. مثال دیگر «شفاعت ملاعبدالاحد شیخ الاسلام است که توانست با درایت خود، مشکلات مردم را در محاصره شهر بگشاید»^{۶۹}.

قاضی: که گاه وظایفش با شیخ الاسلام ادغام می‌شد، رسیدگی به دعاوی مردم طبق شریعت اسلام را بر عهده داشت. قضات نیز به علت رسالتی که داشتند، حتی در درگیری‌های سیاسی مردم نیز دخالت می‌کردند^{۷۰}. مسائل عرف توسط قاضی حل و فصل می‌گردد^{۷۱}. «رئیس امور شهری در مسائل جنایی قاضی نام داشت، دستور مجازات‌های چون بریدن گوش و بینی در موارد دزدی، در آوردن روده و نمایش بر روی چوبه دار در مورد دزدان و غارتگران شوارع، از اختیاراتش به شمار می‌آمد»^{۷۲}. قاضی عسکر، قضاوت و دیگر امورات شرعی ارتش را به عهده داشت^{۷۳}. مجتهد، نیز مقام روحانی بود که وظایف شرعی مردم را رتق و فتق می‌کرد. مجمل التواریخ از محمد ابراهیم رضوی مجتهد معروف عصر زندیه به روشنی یاد می‌کند^{۷۴}.

نتیجه گیری:

با استقرار خاندان زند ماهیت مذهبی نشین ایران همچنان حفظ شد و استمرار یافت. کریم خان از تشیع و علمای شیعه حمایت محسوس می‌کرد و سکه و خطبه به نام امام زمان (عج) قرار داد. در عهد وی مساجد، بقاع و قبور علمای شیعه بازسازی و نوسازی شد. کریم خان ایام مقدس را گرامی می‌داشت، در مراسم مذهبی شرکت می‌کرد و به زیارت اماکن متبرکه می‌رفت. توجه وی به برگزاری مراسم عزاداری محرم و تعزیه از عوامل مهم استقرار این آیین در آن عهد بوده است. شیخ الاسلام شیراز با فرمان کریم خان زند منصوب شده بود محاکم شهر را مجدداً بازگشایی نمود. حکمرانان دیگر زندیه نیز به خاندان نبوت و طهارت (ع) ارادت خاصی داشتند. حکومت زندیه، حکومتی شیعه بود و علما و روحانیون شیعه دارای احترام و اعتبار خاصی بودند، گرچه حوزه وظایف آنان و محاکم شرع بسیار محدود بود.

پی نوشت ها

- ^۱- پری، جان ر. (۱۳۸۲) **کریم خان زند**، ترجمه علی محمد ساکی، تهران، آسونه. ص ۳۸۱.
- ^۲- نیبور، کاریستن (۱۳۵۴). **سفرنامه**، ترجمه پرویز رجبی، تهران، توکا. ص ۲۰۲.
- ^۳- رجایی، غلامعلی (۱۳۷۷). **ایران و کریم خان**، چاپ اول، تهران، مؤسسه فرهنگی - هنری ضریح. ص ۳۱۳.
- ^۴- آسیابان جونقانی، روح انگیز (۱۳۸۵) **پایان نامه ارشد، اوضاع سیاسی - اجتماعی فارس از آغاز سلطنت نادرشاه افشار تا پایان حکومت لطفعلی خان زند**، دانشگاه شیراز. ص ۱۷۰.
- ^۵- ورهرام، غلامرضا (۱۳۶۸). **تاریخ سیاسی و اجتماعی ایران در عصر زند**، چاپ دوم، تهران، معین. ص ۱۸۲.
- ^۶- ملک، سرجان (۱۸۶۷ م.). **تاریخ ایران**، ترجمه شیخ محمد اصفهانی، هند، بی نا. ص ۵۴.
- ^۷- فرانکلین، ویلیام (۱۳۵۸). **مشاهدات سفر از بنگال به ایران**، ترجمه محسن جاویدان، تهران، دانشگاه تهران. ص ۵۷.
- ^۸- هدایتی، هادی (۱۳۳۴). **تاریخ زندیه** (ایران در زمان کریم خان)، ج ۱، تهران، دانشگاه تهران. ص ۱۲۳.
- ^۹- فرانکلین، همان، ص ۵۷.
- ^{۱۰}- نامی اصفهان، میرزا محمدصادق موسوی (۱۳۶۶). **تاریخ گیتی گشا** (در تاریخ زندیه)، به اهتمام سعید نفیسی، چاپ ۳ تهران، اقبال. ص ۷۵.
- ^{۱۱}- فسائی، میرزا حسن. **فارسنامه ناصری**، ج ۱، تهران، سنایی. ص ۶۱۶.
- ^{۱۲}- غفاری کاشانی، ابوالحسن (۱۳۶۹)، **گلشن مراد**، به اهتمام غلامرضا طباطبائی مجد، تهران، زرین. ص ۳۸۸.
- ^{۱۳}- ادیسی آریمی، مهری (۱۳۸۵). **تاریخ تحولات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ایران در دوره افشاریان و زندیان**، تهران، دانشگاه پیام نور. ص ۲۴۱.
- ^{۱۴}- نامی اصفهان، میرزا محمدصادق موسوی (۱۳۶۶). **تاریخ گیتی گشا** (در تاریخ زندیه)، به اهتمام سعید نفیسی، چاپ ۳ تهران، اقبال. ص ۷۵.
- ^{۱۵}- نامی اصفهان، میرزا محمدصادق، همان، ص ۷۸.
- ^{۱۶}- گلستانه، ابوالحسن بن محمد امین (۱۳۵۶). **مجمل التواریخ**، چاپ سوم، تهران، دانشگاه تهران. ص ۳۱۵.
- ^{۱۷}- الگار، حامد (۱۳۹۶). **دین و دولت در ایران**، ترجمه ابوالقاسم سری، بی جا، توس. ص ۹۴.
- ^{۱۸}- شوشتری، میرعبدالطیف (۱۳۶۳). **تحفه العالم**، به اهتمام صمد موحد، تهران، طهوری. ص ۱۳۶.

- ۱۹- غفاری کاشانی، ابوالحسن (۱۳۶۹)، **گلشن مراد**، به اهتمام غلامرضا طباطبائی مجد، تهران، زرین.ص ۲۵۳.
- ۲۰- هدایتی، هادی. **تاریخ زندیه**. ج ۱، ص ۲۰۸.
- ۲۱- گلستانه، ابوالحسن بن محمدامین. **مجمعل التواریخ**، ص ۴۶۰.
- ۲۲- غفاری کاشانی، همان، ص ۳۵۰.
- ۲۳- ورهرام، غلامرضا. **تاریخ سیاسی و اجتماعی ایران در عصر زند**، ص ۱۱۳.
- ۲۴- غفاری کاشانی، همان، ص ۳۵۶-۳۵۷.
- ۲۵- پری، جان ر. **کریم خان زند**، ص ۱۵۹.
- ۲۶- نامی اصفهان، میرزا محمدصادق، همان، ص ۱۵۵.
- ۲۷- رجایی، غلامعلی. **ایران و کریم خان**، ص ۳۲۶.
- ۲۸- پری، جان ر. **کریم خان زند**، ص ۳۸۶.
- ۲۹- رجایی، غلامعلی. **ایران و کریم خان**، ص ۲۶۱.
- ۳۰- فسائی، میرزا احسن. **فارسنامه ناصری**، ج ۱، ص ۲۱۵.
- ۳۱- نامی اصفهان، میرزا محمدصادق، همان، ص ۱۳۵.
- ۳۲- نیبور، کاریستن (۱۳۵۴). **سفرنامه**، ترجمه پرویز رجبی، تهران، توکا. ص ۲۰۱.
- ۳۳- فرانکلین، ویلیام. **مشاهدات سفر از بنگال به ایران**، ص ۸۹.
- ۳۴- ورهرام، غلامرضا. همان، ص ۱۱۵.
- ۳۵- ادیسی آریمی، مهری. همان، ص ۲۴۱.
- ۳۶- رجایی، غلامعلی. **ایران و کریم خان**، ص ۲۵۴-۲۵۵.
- ۳۷- همان، ص ۲۵۶.
- ۳۸- ملکم، سرجان **تاریخ ایران**، ج ۲، ص ۵۴.
- ۳۹- رجایی، غلامعلی. **ایران و کریم خان**، ص ۲۶۷-۲۶۸.
- ۴۰- پری، جان ر. **کریم خان زند**، ص ۳۴۰.
- ۴۱- نیبور، کاریستن. **سفرنامه**، ۲۰۱.
- ۴۲- پری، جان ر. **کریم خان زند**، ص ۳۴۰.
- ۴۳- فرانکلین، ویلیام. همان، ص ۶۰.
- ۴۴- رجایی، غلامعلی. **ایران و کریم خان**، ص ۲۶۵-۲۶۶.
- ۴۵- نیبور، کاریستن. همان، ۸۸.

- ۴۶- رضایی، عبدالعظیم (۱۳۹۴). **گنجینه تاریخ ایران، صفویان، افشاریان، زندیه و قاجار**، ج ۱۲، چاپ دوم، تهران، آسیم، پیکان. ص ۴۹۵.
- ۴۷- فرانکلین، ویلیام . **همان**، ص ۶۰ .
- ۴۸- رجایی، غلامعلی . **همان**، ص ۲۴۹.
- ۴۹- الگار، حامد . **دین و دولت در ایران**، ص ۴۵ .
- ۵۰- ورهرام، غلامرضا . **همان**، ص ۱۱۳ .
- ۵۱- دنبلی، عبدالرزاق بیگ (۱۳۵۱). **مآثر سلطانیه**، به اهتمام غلامحسین صدری افشار، چاپ دوم، ج ۱، تهران، ابن سینا. ص ۱۸۶ .
- ۵۲- فسائی، میرزاحسن . **فارسنامه ناصری**، ج ۱، ص ۲۱۵.
- ۵۳- رجایی، غلامعلی . **همان**، ص ۲۵۲.
- ۵۴- آصف، محمدهاشم (۱۳۴۸). **رستم الحکما (رستم التواریخ)**، تصحیح و تحشیه مشیری، تهران، تابان. ص ۳۹۳.
- ۵۵- ورهرام، غلامرضا . **همان**، ص ۱۱۴ .
- ۵۶- آصف، محمدهاشم . **رستم الحکما** . ص ۳۰۹.
- ۵۷- **همان** .
- ۵۸- پری، جان ر. **کریم خان زند**، ص ۳۱۳ .
- ۵۹- ورهرام، غلامرضا . **همان**، ص ۱۱۶ .
- ۶۰- غفاری کاشانی، **همان** ، ص ۹۶-۹۷ .
- ۶۱- نامی اصفهان، میرزا محمدصادق ، **همان** ، ص ۱۳۴ .
- ۶۲- رجایی، غلامعلی . **همان**، ص ۲۵۲.
- ۶۳- فرانکلین، ویلیام . **همان**، ص ۵۵ .
- ۶۴- الگار، حامد . **همان**، ص ۶۴ .
- ۶۵- پری، جان ر. **کریم خان زند**، ص ۳۹۵ .
- ۶۶- هدایتی، هادی . **تاریخ زندیه** . ص ۹۴ .
- ۶۷- فرانکلین، ویلیام . **همان**، ص ۴۰ .
- ۶۸- گلستانه، ابوالحسن بن محمدامین . **مجمّل التواریخ**، ص ۱۷۴ .
- ۶۹- **همان** ، ۲۴۰ .
- ۷۰- **همان** ، ۱۷۰ .
- ۷۱- فرانکلین، ویلیام . **همان**، ص ۴۰ .

^{۷۲} - پری، جان ر. کریم خان زند، ص ۳۹۵.

^{۷۳} - ورهرام، غلامرضا. همان، ص ۱۱۶.

^{۷۴} - گلستانه، ابوالحسن همان، ص ۱۴۳.